

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پاسخ به شبهه‌ی زئوس پیرامون تفسیر آیہ‌ی قصاص

تہیہ شدہ در: ((رد شبہات ملحدین))

پاسخ به شبہی زئوس پیرامون
تفسیر آیہی قصاص...

تهیه شده در: «رد شبهات ملحدین»

www.No-Atheism.net



no-atheism.net

no atheism

fb/islamway1434

☐ no atheism

aparatur/astaira



قال الله تعالى:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحَرُّ بِالْحَرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَى بِالْأُنْثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبَاعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (بقره: ۱۷۸)

یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در باره کشتگان، بر شما [حق] قصاص مقرر شده: آزاد عوض آزاد و بنده عوض بنده و زن عوض زن. و هر کس که از جانب برادر [دینی] اش [یعنی ولیّ مقتول]، چیزی [از حق قصاص] به او گذشت شود، [باید از گذشت ولیّ مقتول] به طور پسندیده پیروی کند، و با [رعایت] احسان، [خونبها را] به او بپردازد. این [حکم] تخفیف و رحمتی از پروردگار شماس؛ پس هر کس، بعد از آن از اندازه درگذرد، وی را عذابی دردناک است.»

آقای زئوس در کلیبی با استناد به آیه‌ی مذکور مدعی شده که «اگر مردی، زنی از یک خانواده را به قتل برساند، در قصاص باید بروند زن آن مرد را بکشند چون زن در برابر زن کشته می‌شود و همچنین اگر مردی، برده‌ای را به قتل برساند، باید مالک آن مرده برود برده‌ی قاتل را به قتل برساند نه قاتل اصلی و ...»

در پاسخ به این ادعای مضحک آقای زئوس باید گفت که چنین تفسیری از آیه کاملاً اشتباه و بلکه نسبت دادن آن به مسلمانان دروغ آشکار است؛

اولاً: در اسلام هیچ کس بارکش گناه و جرم دیگری نیست و این یک قاعده مهم حقوقی نیز می‌باشد که بیش از ۱۴۰۰ سال پیش، اسلام آن را به رسمیت شناخته است. اصل در هر انسانی این است که در اعمال شخصی مدنی و جنایات خویشتن مسئول است و دیگران به سبب آن بازخواست نمی‌شوند.^۱ الف: خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى»^۲ یعنی: «و هیچ باربرداری بار [گناه] دیگری را برنمی‌دارد.»

۱- ن.ک: الفقه الاسلامی و ادلته - الزحیلی، (ط: دارالفکر، دمشق)، ج ۷، ص ۵۷۱۳.

۲- انعام: ۱۶۴، اسراء: ۱۵، فاطر: ۱۸، زمر: ۷، نجم: ۳۸.

وجه استدلال: هیچ کس جرم و گناه دیگری را متحمل نمیشود و جرم هر کس بر خود اوست.^۱
 ب: پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «أَلَا لَا يَجْنِي جَان إِلَّا عَلَى نَفْسِهِ»^۲ یعنی: «هشدار که هر کس هر جنایتی بکند جز بر خویش تن نکرده است.»

وجه استدلال: منظور از جنایت در این حدیث، گناه و جرم و هرگونه عملی که انسان مرتکب شود که موجب عذاب و قصاص در دنیا و آخرت گردد.^۳ بر اساس این حدیث، کسی از اقوام دور و نزدیک اگر مرتکب جنایتی شوند، به سبب آن دیگری معاقبه و سرزنش نمی‌شود.^۴

ج: رسول الله ﷺ فرمودند: «لَا يُوْخَذُ الرَّجُلُ بِجُرَيْرَةِ أُبِيهِ، وَلَا بِجُرَيْرَةِ أَخِيهِ»^۵ یعنی: «مردی به خیانت و گناه فرزندش، و نه فرزندی به گناه پدرش بازخواست نمی‌شود.»

آقای پطروشفسکی می‌گوید: «در میان اعراب عهد جاهلیت وظیفه‌ی قصاص خون به عهده‌ی همه‌ی عشیره‌ی مقتول بوده. همه‌ی عشیره مقتول به خاطر خون او از عشیره‌ی قاتل انتقام می‌گرفته و عشیره‌ی قاتل قصاص را با قصاص پاسخ می‌گفته. بدین سبب یک قتل منجر به یک سلسله قتل‌های جدید که از دو طرف صورت می‌گرفته، می‌گشته. محمد (ص) حق قصاص را محدود ساخت. در اسلام قصاص خون فقط در مورد قاتل جایز است نه نزدیکان و خویشاوندان وی. و چنانچه خانواده‌ی مقتول (دیگر پای قبیله و عشیره در میان نیست) خواسته باشد به جای قصاص به دریافت «خون بها» یا «دیه» قناعت کند تضمین «دیه» فقط به عهده‌ی خانواده‌ی قاتل است لاغیر. قرآن با اینکه حق قصاص محدود

۱- تفسیر القرآن العظیم - ابن کثیر، (ط: ۲، دار طيبة، ۱۴۲۰هـ)، ج ۵، ص ۵۲.

۲- سنن الترمذی، (ط: ۲، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي، مصر، ۱۳۹۵هـ)، ج ۴، ص ۴۶۱ ح ۲۱۵۹؛ سنن ابن ماجه، (دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي)، ج ۲، ص ۸۹۰ ح ۲۶۶۹. حدیث صحیح.

۳- النهاية في الغريب - ابن الأثير، (ط: المكتبة العلمية - بيروت، ۱۳۹۹هـ)، ج ۱، ص ۳۰۹.

۴- تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی - مبارکفوری، (ط: دار الكتب العلمية، بيروت)، ج ۶، ص ۳۱۴.

۵- السنن الكبرى للنسائي، (ط: الرسالة، بيروت، ۱۴۲۱هـ)، ج ۳، ص ۴۶۶ ح ۳۵۷۹؛ مسند البزار، (ط: ۱، مكتبة العلوم والحكم، المدينة المنورة، ۱۹۸۸م)، ج ۵، ص ۳۳۴ ح ۱۹۵۹. حدیث صحیح.

را می‌شناسد معه‌ذا به خویشاوندان مقتول توصیه می‌کند که قاتل را مورد بخشایش قرار دهند زیرا که عفو را خدا می‌پسندد.^۱

نتیجه: براساس قوانین اسلامی هر کس مسئول عملکرد خویش است و دیگرانی که وابستگی نسبی دور و نزدیک با فرد جنایت‌کار دارند را به خاطر عملکرد بد او محاسبه نمی‌شوند.^۲

ثانیاً: در این آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَىٰ بِالْأُنْثَىٰ» دلیلی وجود ندارد مبنی بر اینکه حُرّ در برابر برده و یا مرد در برابر زن قصاص نمی‌شود. زیرا خداوند متعال کشتن قاتل را مقرر نموده با توجه به ابتدای آیه " كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ " و این هر قاتلی را شامل می‌شود و فرقی ندارد که قاتل آزاد باشد یا برده یا زن و یا غیر آن. و یادآوری " الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَىٰ بِالْأُنْثَىٰ " برای بیان و روشن شدن وجه تأکید بر مقدم آن آمده

۱- سلام در ایران، پطروشفسکی، ترجمه کریم کشاورز، (تهران: انتشارات پیام، چاپ هفتم، ۱۳۶۳)، ص ۱۷۶. هم‌چنین آقای پطروشفسکی برخی از مزایای حقوق جنائی اسلامی را اینگونه بیان می‌کند: «در حقوق جنائی اسلامی بسیاری نکات دیگر هست که نه تنها از قوانین اروپای غربی در دوران تعالی فتودالیزم (قرنهای یازدهم تا پانزدهم) پیشی بسته، بلکه از قوانین زمان حکومت مطلقه (قرن شانزدهم تا هیجدهم) نیز متعالی‌تر است. مثلاً طبق فقه اسلامی فقط شخص بالغ و حُرّ که از لحاظ روحی سالم باشد کاملاً مسئول عمل تجاوز به قانون است، و اشخاص صغیر و مجنونان و بردگان مسئول اعمال خویش نیستند، یا اینکه مسئولیتشان محدود است. فقه اسلامی شکنجه را اجازه نمی‌دهد (و حال آنکه در بسیاری از کشورهای اروپایی حتی در قرن هیجدهم نیز به شکنجه متوسل می‌شدند) و هم‌چنین «قضاوت خدایی» («اردالیا» یا آزمایش با آب و یا آتش و یا «جنگ تن به تن قضائی» میان مدعی و مدعی علیه که در اروپای غربی و روسیه در قرون وسطی معمول بوده) را مجاز نمی‌داند و زندان دراز مدت را هم - مگر در موارد نادره - جایز نمی‌شمارد. دادرسی جنائی اسلامی سریع بوده و از قرطاس بازی که از ویژگی‌های محاکم اروپای غربی و روسیه حتی در قرن نوزدهم شمرده می‌شده و موجب می‌گردیده که گاه محاکمه سال‌ها به درازا کشد و از طرفین دعوی مخارج خانه بر باد دهی را تحمل کنند، بیگانه و به دور بوده است.» (منبع قبل، صص ۱۷۵ - ۱۷۶)

۲- ن.ک: الجنایات فی الفقه الإسلامی دراسة مقارنة بین الفقه الإسلامی والقانون - حسن الشاذلی، (ط: ۲، دار الکتب الجامعی)،

است.^۱ با این توضیح، دلایل قصاص مرد در برابر زن و آزاد در برابر برده باتوجه به قرآن و سنت^۲ به قرار ذیل می‌باشد:

۱. ﴿ وَ كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ ﴾ (مائده: ۴۵)

یعنی: « و بر آنان مقرر کردیم که جان در مقابل جان، و چشم در برابر چشم، و بینی در برابر بینی، و گوش در برابر گوش، و دندان در برابر دندان می‌باشد؛ و زخمها [نیز به همان ترتیب] قصاصی دارند.» وجه استدلال: بر اساس این آیه، میان برده و آزاد یا بین برده با برده‌ای دیگر تفاوتی وجود ندارد. و بنابر عموم آیه، در مذهب امام ابوحنیفه رحمته، شخص آزاد در برابر برده کشته می‌شود. و ثوری رحمته، ابن ابی لیلی رحمته، داود ظاهری رحمته به رأی مذکور رفته‌اند و این از علی بن ابی طالب رحمته، ابن مسعود رحمته، سعید بن مسیب رحمته، ابراهیم نخعی رحمته، قتاده رحمته، حکم بن عیینه رحمته روایت شده است و بخاری رحمته، علی بن مدینی رحمته گفته‌اند: مالک در برابر برده‌اش کشته می‌شود.^۳ لیکن سایر علماء - از مالکیه، شافعیه و حنابله - با این رأی مخالفت نموده‌اند و گفته‌اند که شخص آزاد در برابر برده کشته نمی‌شد و به برخی از احادیث استناد کرده‌اند که احادیث وارده‌ی آن همگی «ضعیف» هستند.^۴ البته این دیدگاه مخالف، قطعی نیست؛ زیرا که در نزد مالکیه اگر حرّ بصورت غیله (فریب) برده‌ای را به قتل

۱- ر. ک: أحكام القرآن - أبو بكر الجصاص، (ط: ۱، دار الكتب العلمية، بیروت، ۱۴۱۵هـ)، ج ۱، ص ۱۶۳؛ التفسیر المنیر - الزحیلی، (دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۸هـ)، ج ۲، ص ۱۱۰.

۲- ر. ک: المغنی لابن قدامة، (ط: مكتبة القاهرة، ۱۳۸۸هـ)، ج ۸، ص ۲۷۸: « أنه يقتل به؛ لعموم الآيات والأخبار »

۳- الجامع لأحكام القرآن - قرطبي، (ط: ۲، دار الكتب المصرية، القاهرة، ۱۹۶۴م)، ج ۲، صص ۲۴۶ - ۲۴۷؛ تفسیر القرآن العظیم - ابن کثیر، (ط: ۲، دار طيبة، ۱۴۲۰هـ)، ج ۱، ص ۴۹۰؛ مختصر اختلاف العلماء - طحاوی، (ط: ۲، دار البشائر الإسلامية، بیروت، ۱۴۱۷هـ)، ج ۵، ص ۱۵۰؛ الاستذکار لابن عبد البر، (ط: ۱، دار الكتب العلمية، بیروت، ۱۴۲۱هـ)، ج ۸، ص ۱۷۵.

۴- الشرح الممتع علی زاد المستقنع - محمد بن صالح العثیمین، (ط: ۱، دار ابن الجوزی، ۱۴۲۲هـ)، ج ۱۴، ص ۴۰: « ولهم أحادیث لكنها ضعيفة... »

برساند، وی قصاص می‌شود.^۱ و در نزد **شافعیه** نیز بنابر قولی همین دیدگاه وارد شده^۲ و علاوه بر آن اگر حاکم تشخیص دهد که حرّ در برابر برده کشته شود حکم او تنفیذ می‌گردد.^۳ و برخی از علمای **حنابله** مانند امام ابن تیمیه رحمته الله بر این دیدگاه هستند که هر کس برده‌اش را به قتل برساند، حاکم می‌تواند قاتل را قصاص کند.^۴ و این قولی از امام احمد بن حنبل رحمته الله بوده و شیخ ابن عثیمین رحمته الله از علمای حنبلی معاصر نیز آن را ترجیح داده است.^۵

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ» (بقره: ۱۷۸)

یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در باره کشتگان، بر شما [حق] قصاص مقرر شده»
وجه استدلال: آیه مقتضی وجوب قصاص است به سبب هر قتلی که باشد و تخصیص حکم آن مستلزم اقامه‌ی دلیل است.^۶

این فرموده‌ی خداوند: «الْحُرُّ بِالْحُرِّ» تعارضی با آیه‌ی «النَّفْسُ بِالنَّفْسِ» ندارد، زیرا:

۱- ر.ک: التوضیح فی شرح مختصر ابن الحاجب - خلیل بن إسحاق المالکی، (ط: ۱)، مرکز نجیبویه للمخطوطات وخدمة التراث، ۱۴۲۹هـ)، ج ۸، ص ۷۴: «والغيلة بكسر الغين: القتل على المال، وفي معنى الغيلة الحرابة، فإن الحر يقتل فيها بالعبد والمسلم بالكافر، نص عليه ابن يونس وغيره.»

۲- الحاوی الکبیر - الماوردی، (ط: ۱)، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۹هـ)، ج ۱۲، ص ۱۹: «ولو قتل حرا عبدا في الحرابة كان في وجوب قتله به قولان على ما مضى في قتل الذمی في الحرابة»

۳- تحفة المحتاج فی شرح المنهاج - ابن حجر الهيتمي، (المكتبة التجارية الكبرى بمصر، ۱۳۵۷هـ)، ج ۸، ص ۴۰۳؛ مغنی المحتاج - الخطيب الشربيني، (ط: ۱)، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵هـ)، ج ۵، ص ۲۴۳.

۴- مجموع الفتاوى - ابن تيمية، (ط: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة النبوية، ۱۴۱۶هـ)، ج ۱۴، ص ۸۶: «فكل من قتل عبده كان للإمام أن يقتله.»

۵- الشرح الممتع على زاد المستقنع - محمد بن صالح العثيمين، ج ۱۴، ص ۴۰: «لهذا ذهب أبو حنيفة وشيخ الإسلام ابن تيمية، وهو رواية عن أحمد، إلى أن الحر يقتل بالعبد؛ ... وهذا القول هو الصواب»

۶- المبسوط - السرخسي، (ط: دار المعرفة، بيروت، ۱۴۱۴هـ)، ج ۲۶، ص ۱۳۰؛ بدائع الصنائع فی ترتيب الشرائع - الكاشاني، (ط: ۲)، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۶هـ)، ج ۷، ص ۲۳۷.

اول اینکه: مقابله در آیه‌ی اولی «مقید» است و در دومی «مطلق»، و حکم مطلق بر مقید حمل نمی‌شود.^۱

دوم اینکه: قصاص حرّ در برابر حرّ و برده در برابر برده، نفی این را نمی‌کند که حرّ در برابر برده قصاص نشود، چونکه تنصیص (وجود نص) بر تخصیص دلالت ندارد. و بهترین و محکم‌ترین دلیل در جواب کسانی که قائل به قصاص برده در برابر آزاد نیستند الزام آنها به خود عمومیت حکم است بدین صورت که همگی «متفق القول»^۲ هستند که قصاص مرد در برابر زن^۳ و هم‌چنین قصاص برده در برابر آزاد^۴ مقرر شده است. حال سؤال این است که اگر «الحر بالحر» یا «الانثی بالانثی» یا «العبد بالعبد» حصر است و فقط شامل خود حرّ در برابر حرّ و زن در برابر زن و برده در برابر برده می‌شود، پس چگونه مرد در برابر زن و برده در برابر آزاد قصاص می‌شود؟! بنابراین چاره‌ای ندارند مگر اینکه به حکم عمومی آیه و دلایل قبلی موافقان قصاص تسلیم شوند و صواب نیز همین است و این خود پاسخ کوبنده به آقای زئوس نیز است که به چیزی استدلال کرده که وجه عکس آن را خود علمای اسلامی – توافق دارند و – پذیرفتند و آیه حصر نمی‌شود و گرنه خود این علمای اسلامی هرگز قصاص عبد را در برابر آزاد را منع نکرده‌اند و یا قصاص مرد در برابر زن. فتأمل!!!

سوم اینکه: موضع آیه‌ی «الحر بالحر» غیر از موضع آیه‌ی «النفس بالنفس» است و برای هر کدام مقوله‌ای غیر از دیگری می‌باشد؛ در آیه «النفس بالنفس» مجال آن، تعدّی و تجاوز فردی معین بر فرد یا افراد معین دیگر است اما در آیه‌ی «الحر بالحر» نوع تعدّی جماعی است بدین صورت که خانواده‌ای بر خانواده‌ای دیگر یا قبیله‌ای بر قبیله‌ای دیگر یا جماعتی بر جماعت دیگر تعدّی نماید لذا از آنها افراد آزاد، بردگان و زنان تعیین می‌شود و بعد از اقامه‌ی میزان قصاص، حرّ این خانواده که جنایت کرده در مقابل حرّ خانواده‌ی دیگر بازخواست می‌شود و هم‌چنین زن و برده به همین روال خواهد بود. مجاهد

۱- الجنایات فی الفقه الإسلامی دراسة مقارنة بین الفقه الإسلامی والقانون - حسن الشاذلی، ص ۱۹۸.

۲- تبیین الحقائق - فخر الدین الزیلعی، (ط: ۱)، المطبعة الكبرى الأمیریة، بولاق، القاهرة، ۱۳۱۳هـ)، ج ۶، ص ۱۰۲.

۳- اختلاف الأئمة العلماء - ابن هبيرة، (ط: ۱)، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۳هـ)، ج ۲، ص ۲۹۳: «واتفقوا علی أن الرجل

یقتل بقتل المرأة، والمرأة تقتل بالرجل»

۴- نیل الاوطار - شوکانی، (ط: ۱)، دار الحديث، مصر، ۱۴۱۳هـ)، ج ۷، ص ۲۲: «قتل العبد بالحر مجمع علیه»

بن جبر مکی رحمته گوید: «الْحَرُّ بِالْحَرِّ عَموم مردان و زنان را شامل می‌شود.»^۱ و هم‌چنین مالک بن انس رحمته می‌گوید: «بهترین چیزی که در مورد این آیه شنیدم این است که منظور از آن، جنس مذکر و مؤنث بطور مساوی است. و ذکر مؤنث مؤکد و بر طرف کننده‌ی امر جاهلیت است.»^۲

۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «المسلمون تكافأ دماؤهم»^۳ یعنی: «مسلمانان خوششان مساویست.» وجه استدلال: منظور از آن این است که خون مسلمانان در قصاص مساوی است؛ شرافتمند در برابر فرومایه، بزرگ در برابر کوچک، عالم در برابر جاهل، زن در برابر مرد، هرچند مقتول بزرگوار باشد یا عالم، و قاتل فرومایه باشد یا جاهل، و بجز قاتل آن کسی دیگر قصاص نمی‌شود بر خلاف آنچه که اهل جاهلیت انجام می‌دادند بدین صورت که به خون مقتول شرافتمند در عوض قصاص قاتل فرومایه راضی نمی‌شدند تا اینکه شماری از قبیله‌ی قاتل را بکشند.^۴

۴. سیدنا رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «لا یحل دم امرئ مسلم، یشهد أن لا إله إلا الله وأني رسول الله، إلا بإحدى ثلاث: النفس بالنفس، والثيب الزاني، والمارق من الدين التارك للجماعة»^۵ یعنی: «خون مسلمانی که به وحدانیت خدا و به رسالت من شهادت دهد جایز نمی‌شود جز به یکی از این سه نفر: جان در برابر جان، کسی که همسر دارد و زانی است و کسی که از دین خارج شده و جماعت مسلمانان را ترک نموده است.»

۱- المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز - ابن عطیة، (ط: ۱)، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۲هـ)، ج ۱، ص ۲۴۵.

۲- منیع قبل.

۳- سنن أبی داود، (المکتبة العصرية، صیدا، بیروت)، ج ۴، ص ۱۸۰ ح ۴۵۳۰؛ السنن الكبرى للنسائی، ج ۶، ص ۳۳۰ ح ۶۹۱۰؛ مسند البزار، ج ۲، ص ۲۹۰ ح ۷۱۴؛ مسند أبی یعلی الموصلی، (ط: ۱)، دار المأمون للتراث، دمشق، ۱۴۰۴هـ)، ج ۱، ص ۲۸۲ ح ۳۳۸. حدیث صحیح.

۴- شرح السنة - البغوی، (ط: ۲)، المکتب الإسلامی، دمشق، بیروت، ۱۴۰۳هـ)، ج ۱۰، صص ۱۷۳ - ۱۷۴؛ عون المعبود شرح سنن أبی داود - عظیم آبادی، (ط: ۲)، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۵هـ)، ج ۱۲، ص ۱۶۸.

۵- صحیح البخاری، (ط: ۱)، دار طوق النجاة، ۱۴۲۲هـ)، ج ۹، ص ۵ ح ۶۸۷۸؛ صحیح مسلم، (ط: ۱)، دار إحياء التراث العربی، بیروت)، ج ۳، ص ۱۳۰۲ ح ۱۶۷۶.

وجه استدلال: باتوجه به این حدیث شریف، «النفس بالنفس» بر عموم زن و مرد و برده دلالت دارد و تخصیص آن مستلزم دلیل است.

۵. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «من قتل عبده قتلناه، ومن جده عبده جدعناه»^۱ یعنی: «هر کس برده‌اش را به قتل برساند، او را به قتل می‌رسانیم، و هر کس بینی برده‌اش را ببرد، بینی‌اش را می‌بریم.»

۱- سنن أبی داود، ج ۴، ص ۱۷۶ ح ۴۵۱۵؛ سنن الترمذی، ج ۴، ص ۲۶ ح ۱۴۱۴؛ السنن الکبری للنسائی، ج ۶، ص ۳۳۱ ح ۶۹۱۳؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۸۸۸ ح ۲۶۶۳؛ المستدرک علی الصحیحین للحاکم، (ط: ۱)، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۱هـ)، ج ۴، ص ۴۰۸ ح ۸۰۹۸.

این حدیث نبوی ﷺ را حسن بصری رحمته از سمره بن جندب رحمته روایت کرده است؛ برخی از علماء گفته‌اند: سماع (شنیدن) حسن بصری رحمته از صحابی سمره بن جندب رحمته ثابت نیست، لیکن برخی از علماء این دیدگاه را مردود دانسته و سماع آن دو را مثبت دانسته و صواب نیز همین است. امام قرطبی رحمته می‌گوید: «قلت: هذا الحديث الذي ضعفه ابن العربي وهو صحيح، أخرجه النسائي وأبو داود، وتتميم متنه: (ومن جدعه جدعناه ومن أخصاه أخصيناه). وقال البخاري عن علي بن المديني: سماع الحسن من سمرة صحيح، وأخذ بهذا الحديث. وقال البخاري: وأنا أذهب إليه، فلو لم يصح الحديث لما ذهب إليه هذان الإمامان، وحسبك بهما! ويقتل الحر بعبد نفسه.» یعنی: «می‌گویم: این حدیث را ابن العربی رحمته تضعیف نموده در حالی که آن صحیح است؛ نسائی و ابوداود آن را تخریج کرده‌اند و ادامہ‌ی متن آن چنین است: "وهرکس بینی برده‌اش را ببرد، بینی‌اش را می‌بریم و هرکس او را اخته کند، در عوض آن اخته‌اش می‌کنیم." بخاری رحمته از علی بن مدینی رحمته روایت کرده که گفت: سماع حسن رحمته از سمره رحمته صحیح است و این حدیث را اخذ کرده است. بخاری رحمته گفته: من به این رأی رفته‌ام. بنابراین اگر حدیث مذکور صحیح نمی‌بود این دو امام به آن رأی نمی‌رفتند. و تو را این دو امام کافست. و آزاد در مقابل برده خودش کشته می‌شود.» (رک: الجامع لأحكام القرآن للقرطبي، ج ۲، ص ۲۴۹؛ الجنایات فی الفقه الإسلامی - حسن الشاذلی، ص ۲۰۲)، هم‌چنین در خصوص صحت سماع حسن بصری رحمته از سمره بن جندب رحمته بنگرید به: [العلل لابن المدینی، (ط: ۲)، المکتب الإسلامی، بیروت، ۱۹۸۰م)، ص ۵۳؛ التاریخ الکبیر - البخاری، (ط: دائرة المعارف العثمانیة، حیدرآباد، الدکن)، ج ۲، ص ۲۸۹؛ المعرفة والتاریخ - الفسوی، (ط: ۲)، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۰۱هـ)، ج ۲، ص ۵۲؛ سنن الترمذی، ج ۳، ص ۵۳۰؛ علل الترمذی، (ط: ۱)، عالم الکتب، مکتبة النهضة العربیة، بیروت ۱۴۰۹هـ)، ص ۲۲۳؛ الاستذکار لابن عبدالبیر، ج ۸، ص ۱۷۷؛ البدر المنیر - ابن الملقن، (ط: ۱)، دار الهجرة، الرياض ۱۴۲۵هـ)، ج ۴، ص

۶. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «العمد قود إلا أن يعفو ولي المقتول»^۱ یعنی: «قتل عمد قصاص دارد مگر اینکه ولی مقتول گذشت نماید.»

وجه استدلال: حدیث مذکور مدلول وجوب قصاص قتل عمد است؛ فرقی ندارد که قاتل آزاد باشد یا برده، مرد باشد یا زن، مسلمان باشد یا غیر مسلمان.^۲

اما چرا در آیه ۱۷۸ سوره‌ی بقره «الحر بالحر» و «العبد بالعبد» آمده است؟

افاده‌ی مقابله در اینجا به این سبب بوده که بین بنی نظیر و بنی قریظه، مقابله به این صورت بوده که چون بنی نظیر شریف‌تر بودند و در مقابله با بنی قریظه آنها را نصف خودشان حساب می‌کردند و برده‌ای از بنی نظیر را مقابل آزاد از بنی قریظه، و زن از آنها را در برابر مرد بنی قریظه قرار داده بودند، از این رو خداوند متعال این آیه را در جواب آنها نازل فرمود و بیان و روشن نمود که حرّ در مقابل حرّ و برده در مقابل برده و زن نیز در برابر زن از هر دو قبیله قرار دارند.^۳ و به مساوات بین آنها امر نمود.^۴

صورت تفصیلی موضوع و بیان خطای فاحش آقای زئوس: اگر زنی، زنی از طایفه‌ی دیگری را به قتل می‌رساند آن طایفه، زن قاتل را قصاص نمی‌کردند بلکه مردی از آن را در مقابل آن زن قصاص می‌کردند و هم‌چنین اگر برده‌ای از طایفه‌ای برده‌ای دیگر را به قتل می‌رساند، طایفه‌ی مقتول در مقابل آن برده، قتل فردی آزاد را خواهان بودند.^۵ از این رو خداوند متعال آیه مذکور را نازل کرد

۱- مصنف ابن ابی شیبّه، (ط: ۱)، مکتبه الرشد، الرياض، ۱۴۰۹هـ)، ج ۵، ص ۴۳۶ ح ۲۷۷۶۶؛ سنن الدارقطنی، (ط: ۱)، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۲۴هـ)، ج ۴، ص ۸۲ ح ۳۱۳۶. هم‌چنین بنگرید به: [سنن أبی داود، ج ۴، ص ۱۸۳ ح ۴۵۳۹] - حدیث صحیح لغیره.

۲- الجنایات فی الفقه الإسلامی - حسن الشاذلی، ص ۱۹۸.

۳- المبسوط - السرخسی، ج ۲۶، ص ۱۳۰.

۴- معالم التنزیل فی تفسیر القرآن - البغوی، (ط: ۱)، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰هـ)، ج ۱، ص ۲۰۷؛ البحر المحیط فی التفسیر - ابوحیان اندلسی، (ط: ۱)، دار الفکر، بیروت، ۱۴۲۰هـ)، ج ۲، ص ۱۴۲.

۵- ر.ک: جامع البیان فی تأویل القرآن - ابن جریر الطبری، (ط: ۱)، الرسالة، ۲۰۰۰م)، ج ۳، ص ۳۵۸ - ۳۵۹.

که در قتل بین دو نفر که هردو آزاد هستند یا هردو برده یا هر دو زن، باید مقابله عادلانه انجام شود نه اینکه یکی را به جای دیگری به سبب بزرگی و شرف قبیله‌ای بر دیگری قصاص کنند. بنابراین معنای آیه چنین است: «ای اهل ایمان، بر شما مقرر شده که قاتل مقتول را قصاص نمائید؛ و بر یکدیگر تجاوز نکنید. هرگاه آزاد، فرد آزادی را به قتل رساند پس فقط قاتل او را قصاص کنید و هرگاه برده، برده‌ای را کشت، فقط برده‌ای را که قاتل است بکشید و همچنین هرگاه زن، زنی دیگر را کشت، فقط زنی را که قاتل است بکشید در مقابله به مثل، و بین خودتان ستم نکنید.»^۱ این مطلب را آقای زئوس متأسفانه اصلاً متوجه نشده و در این رابطه سوتی‌های وحشتناکی داده است که هر کس اندک آشنایی به مفاهیم اسلامی داشته باشد به راحتی متوجه این سوتی‌های فاحش وی خواهد شد.

مثلاً آقای زئوس در دقیقه‌ی ۸: ۶ از کلیپ می‌گوید: «**بعد یک داستان دیگه میگه، طبری از کجا نقل کرده که در فقه السنه اومده...**» هر کس که اندک آگاهی‌ای داشته باشد به کتاب‌های اسلامی به روشنی می‌داند که کتاب "فقه السنه" مؤلف آن استاد سید سابق رحمته الله است که متوفای ۱۴۲۰ هـ ق، بوده و امام طبری رحمته الله نیز صاحب تفسیر "جامع البیان فی تأویل القرآن" و "تاریخ الطبری" متوفای ۳۱۰ هـ ق، می‌باشد. نکته‌ی قابل تأمل در این است که آقای زئوس فقه السنه را در همان تفسیری که از روی سایت می‌خواند جلوی آن نوشته شده «استاد سید سابق رحمه الله در "فقه السنه" ...» حال اگر زئوس این کتاب را به امام طبری رحمته الله از روی جهل نسبت داده باشد که تکلیفش مشخص است چونکه کسی که به اسامی کتاب‌ها و اقوال علماء و نسبت کتاب و مؤلفان آنها جهل دارد چگونه می‌خواهد قرآن را برای مسلمانان تفسیر کند؟! و اگر از روی عمد و تدلیس دست به این عمل زده که نشانه‌ی عناد و دشمنی او است که در هردو حالت نالایقی وی، در نقد اسلام و قرآن را نشان می‌دهد. اکنون به بیان جهل وافر آقای زئوس بپردازیم:

اولاً: زئوس بعنوان معترض به تفسیر آیه‌ی ۱۷۸ سوره‌ی بقره بعد از قرائت مطلب استاد سید سابق رحمته الله، در دقیقه‌ی (۵۰: ۶) می‌گوید: «**بچه گیر آوردید... دارید گولمون میزنید... کجای آیه گفته تنها قاتل مسئول قتله؟**»

.. خیر»

۱- تفسیر آیات الأحکام - محمد علی السایس، (المکتبة العصرية للطباعة والنشر، ۲۰۰۲م)، ص ۵۷.

جهل آقای زئوس کاملاً آشکار است چرا که آیه‌ی مذکور، برخی از آنچه که عموم آیه بر حکم آن موافق دارد شامل شده نه اینکه موجب تخصیص ماباقی آن باشد.^۱ و عموم آیه نیز بر قصاص به طور عموم دلالت دارد. اکنون چون آقای زئوس عموم و خصوص و مطلق و مقید را نمی‌فهمد تصور کرده که چون صرفاً در آیه به "الحر بالحر" و "الانثی بالانثی" و "العبد بالعبد" اشاره شده پس قصاص در آن منحصر به آزاد در برابر آزاد، و زن در برابر زن و برده در برابر برده می‌باشد!!!

ثانیاً: در دقیقه‌ی (۷:۲۱) از کلیپ، آقای زئوس از تفسیر آیه به نقل از عبدالرحمن سعدی رحمته می‌گوید: «و نیز قصاص زن در برابر مرد، و مرد در برابر زن از مفهوم آیه برداشت می‌شود. پس منطوق آیه مقدم است بر مفهوم آن. ای جونم .. این رو گفت که دیگه کسی سؤال نکنه این حرف‌ها رو از کجا آوردی...؟» آقای زئوس که نمی‌داند اصطلاح «منطوق» و «مفهوم» به چه معناست چگونه به خودش اجازه‌ی تفسیر کردن آیات قرآن را می‌دهد؟ مانند این است فردی که از اصطلاحات فیزیک یا شیمی یا نجوم و ... چیزی نمی‌داند و چون آن اصطلاح‌ها را برایش بازگو کنند او نیز بدان معترض شود که این اصطلاحات اشتباه هستند!!! آیا مشکل از مصطلحات است یا نه مشکل از فهم ناقص شخصی مانند آقای زئوس؟! جناب معترض بهتر است کتاب‌هایی که در این رابطه نوشته شده‌اند را اندکی مطالعه کند آنگاه به تفسیر از آیات پردازد. حداقل آن این است که به ادبیات عرب تسلط داشته باشد تا بتواند ابزار فهم آیات را در جهت تفسیر قرآن بکار گیرد.

ثالثاً: در دقیقه‌ی (۹:۱۰) از کلیپ مضحکش می‌گوید: «اینها آیات ضد و نقیض قرآن هستند که با وجود اینکه هرکس هر جور دوست دارد تفسیر می‌کنه اما باز هم کسی نتونسته این اختلاف‌های بزرگ و اساسی آیات را توجیه کنه ... و اما جالب به آیه دیگس که میگه ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ﴾: آیا در قرآن از روی فکر و تأمل نمی‌نگرند؟ ... چرا داریم می‌نگریم ... ﴿وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾: «و اگر از جانب غیر خدا بود در آن اختلافی بسیار می‌یافتند.» اگر اصلاً اختلافی توی قرآن پیدا نمیشه!!» آقای زئوس ظاهراً معنای

۱- ن.ک: المبسوط - السرخسی، ج ۲۶، ص ۱۳۰؛ البحر المحيط فی التفسیر - ابوحیان اندلسی، ج ۲، ص ۱۴۵؛ تبیین الحقائق

- فخر الدین الزیلعی، ج ۶، ص ۱۰۳.

تناقض و ضدیت را درک نمی‌کنند و گرنه می‌بایست وجوه تناقض را از این آیات برای ما بیان می‌کردند که نه تنها وجه یا وجوه تناقض را ارائه نداده بلکه به تصور غلط خویش اتکا نموده و بدون تدبیر (!) به تفسیر آیات قرآن پرداخته است. آیه‌ای را هم که به تدبیر در قرآن و عدم وجود اختلاف در آن که استناد کرده در واقع به نفع ما و به ضرر ایشان است چرا که آیه به «تدبیر» در قرآن تصریح نموده یعنی تأملی که با تعمق همراه است نه اینکه سطحی‌نگری یک آیه را بیاورد و با آیه‌ای دیگر تطبیق دهد... جالب است خود آیه به تدبیر اشاره دارد که متأسفانه آقای زئوس نه تنها تدبیر نکرده بلکه از روی هوس و عناد دارد تفسیر به رأی می‌کند.

سخن پایانی

قرآن و بعضاً سنت از مصادر قوانین اسلام هستند و این اختلاف در تفسیر نصوص قانونی چیز نیست شایع، قرآن بعنوان مصدر اول و اساسی اسلام کلیات را در برداشته و تبیین آن نیز توسط سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و تفسیر کلی از این دو مصدر اساسی نیز توسط فقهاء و دانشمندان خبره‌ی اسلامی صورت می‌گیرد و لذا جای اختلاف وجود دارد چون انسان‌ها دارای تفکرات و نظرات مختلفی هستند. همین مسأله در علم حقوق بشری کاملاً مشاهده می‌شود، آنجا که قانون اساسی تصویب می‌شود و این قوانین از ویژگی‌ها و شاخصه‌های بارزی که باید داشته باشد این است که باید کلیات در آن ذکر گردد نه جزئیات و لذا جزئیات در طبقه‌ی دوم یعنی قوانین عادی (مصوبات پارلمان) می‌باشد و درجه‌ای نیز به تفسیر این قانون اساسی نیاز است. پس اگر به قرآن بعنوان یک کتاب قانون اساسی اسلامی در حکومت اسلامی نگاه شود همین مطلب قابل فهم است.

نتیجه‌گیری

با توجه به توضیحاتی که بیان شد نتیجتاً بین آیه ۱۷۸ سوره بقره و آیه ۴۵ از سوره مائده تعارضی نیست و هم‌چنین بنابر ادله قاطع، قصاص مرد در برابر زن و آزاد در برابر برده ثابت است و عموم هردو آیه مذکور و نیز احادیث صحیح در این رابطه بر آن دلالت دارند. این دیدگاه آقای زئوس که آیه ۱۷۸ سوره بقره، فقط به قصاص میان حرّ با حرّ و برده با برده و زن با زن اشاره دارد اشتباه محض است و نسبت دادن آن به علمای اسلامی نیز دروغ می‌باشد؛ زیرا دانشمندان مسلمان از منطوق و هم مفهوم آیه چنین برداشت کرده‌اند که مرد

در مقابل زن کشته می‌شود و برده در مقابل آزاد نیز کشته می‌شود و اختلاف بر سر این است که آیا آزاد در برابر برده قصاص می‌شود یا نه؟ که با توجه به ادله‌ی صحیح از خود آیه (ها) و هم از احادیث بعنوان مصدر دوم تشریع آزاد در برابر برده کشته می‌شود. در واقع علت کُزفهمی جناب زئوس در مورد تفسیر انحرافی از آیه، عدم اطلاع یافتن از مفاهیم و اصطلاحات علوم قرآن است و اگر او اندکی به خود زحمت مطالعه می‌داد و مدیرانه به آیه توجه داشت هرگز دچار این سرگردانی نمی‌شد.
